

فصلنامه پژوهشها و سیاستهای اقتصادی  
سال هفدهم، شماره ۵۱، پاییز ۱۳۸۸، صفحات ۲۴-۵

## رتبه‌بندی صنایع کوچک و متوسط استان اصفهان با رویکرد ارزیابی عملکرد عوامل تعیین‌کننده مزیت رقابتی

فرزاد کریمی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه

F-karimi 110@ yahoo.com

یوسف حسن پور کارسالاری

عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

yh88790214@yahoo.com

یکی از اهداف این مقاله، بررسی مزیت رقابتی صنایع کوچک و متوسط استان اصفهان به روش عملکردی عوامل تعیین‌کننده آن در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۴ می‌باشد. روش مورد بررسی، استفاده از شاخص‌های ترکیبی با کمک گرفتن از مفهوم ضریب مکانی است. روش رتبه‌بندی صنایع با استفاده از شاخص‌های بهره‌وری، ارزش‌افزوده، اشتغال‌زایی، وابستگی به موادخام و اولیه داخلی، بهره‌دهی تولید، گرایش‌های سرمایه‌گذاری با استفاده از تکنیک آنترپی و (TOPSIS) است. مطالعه تغییرات شاخص توسعه‌های عملکرد عوامل تعیین‌کننده مزیت رقابتی نشان می‌دهد که بهبود یا عدم بهبود در عملکرد عوامل تعیین‌کننده مزیت رقابتی صنایع کوچک و متوسط استان، فرآیندی انعطاف‌پذیر و نشان‌دهنده عدم پایداری نسبی در موقعیت بسیاری از صنایع استان در طول یک دهه اخیر است که متأثر از عوامل مختلفی است. عمده‌ترین این عوامل، نحوه دسترسی صنایع کوچک و متوسط استان به منابع اولیه داخلی و تامین منابع مالی جهت سرمایه‌گذاری است.

طبقه بندی JEL: R11, R58

واژه‌های کلیدی: صنایع کوچک، رقابت پذیری، استان اصفهان.

### ۱. مقدمه

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌هایی که در طول دو دهه اخیر در بسیاری از اقتصادهای مدرن ظهور کرده است، نقش و جایگاه بنگاه‌ها و موسسات کوچک و متوسط (SME) به عنوان عامل ایجاد شغل و ثروت است.<sup>۱</sup> در واقع، واحدهای تولیدی صنعتی کوچک و متوسط در این کشورها نقش اساسی در ایجاد و توسعه زنجیره‌های تولیدی دارد که در نهایت به تامین اشتغال، افزایش تولید ملی و نیز توسعه صادرات و حضور در بازارهای جهانی کمک بسیاری کرده است. طی دو دهه اخیر وجود تغییرات تکنولوژی در بخش‌های مختلف اقتصادی (تجارت الکترونیک و فناوری اطلاعات)، اهمیت یافتن نقش خوشه‌های صنعتی در ایجاد مزیت رقابتی<sup>۲</sup>، توسعه مناطق آزاد تجاری منجر شده است تا کشورهای در حال توسعه نیز به منظور افزایش مزیت رقابتی، توجه ویژه‌ای به توسعه صنایع متوسط و کوچک و افزایش سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها داشته باشند. در این کشورها صنایع متوسط و کوچک با مشکلاتی مانند شیوه‌های مدیریت و رهبری، پشتیبانی و حمایت مالی، تخصص‌های حرفه‌ای و بازاریابی مواجه‌اند و به ندرت توانایی دارند که فقط بر منابع مالی و نیروی کار فنی خود برای توسعه تکنولوژی‌های خود اتکا ورزند. برنامه‌ریزی برای توسعه صنایع کوچک و متوسط به دلیل اینکه بخش‌های مهم صنعت و زمینه‌های مختلفی مانند هدایت و جهت‌گیری و ایجاد هماهنگی در فعالیت‌های مختلف تولیدات کاربرد دارد از اهمیت بسزایی برخوردار است. در واقع، برنامه‌ریزی توسعه فعالیت صنایع کوچک و بزرگ را می‌توان به عنوان تلاشی آگاهانه برای تحت تأثیر قرار دادن، جهت‌دادن و در مواردی، کنترل تغییراتی که منجر به مزیت رقابتی می‌شوند، قلمداد نمود. لازمه هر برنامه‌ریزی، شناسایی قابلیت‌ها و پتانسیل‌ها، شناخت موقعیت بخش‌ها و جایگاه مناطق مورد بررسی با استفاده از رویکرد مزیت رقابتی می‌باشد. ایران کشوری است که از جهت قابلیت دسترسی به منابع و امکانات برای توسعه صنایع کوچک و متوسط متنوع است که این موضوع نیازمند توجه توسعه‌ای صنایع کوچک و متوسط مناطق مختلف است. با توجه به اینکه یکی از بزرگترین قطب‌های صنعتی کشور در استان اصفهان متمرکز است، به برنامه‌ریزی برای توسعه صنایع کوچک و متوسط این استان جایگاه ویژه‌ای بخشیده است. در حال حاضر، حدود ۱۶ درصد از صنایع کوچک و متوسط کشور در استان اصفهان متمرکزاند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

۱. صنایع کوچک و متوسط شامل صنایع بین ۱۰ نفر تا ۴۹ نفر کارمند است.

## 2. Competitive Advantage

## رتبه‌بندی صنایع کوچک و متوسط استان اصفهان ... ۷

براین اساس، در این بخش تلاش می‌شود تا با استفاده از روش‌ها و تکنیک‌های مختلف برنامه‌ریزی و همچنین معرفی مجموعه‌ای از شاخص‌های ترکیبی با الهام گرفتن از روش‌های متعارف تعیین و ارزیابی عملکرد عوامل تعیین‌کننده مزیت رقابتی، به تعیین جایگاه صنایع کوچک و متوسط استان بر اساس کدهای دو رقمی آیسیک ویرایش سوم (ISIC) برای سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۴ پرداخته شود. درنهایت با رتبه‌بندی این بخش‌ها، اطلاعات مناسبی برای تدوین توسعه فعالیت صنایع کوچک و متوسط استان اصفهان برای دستیابی به افزایش سطح تولید، افزایش رقابتمندی، توسعه صادرات و همچنین تجدید ساختار صنایع فراهم گردد.

### ۲. مزیت رقابتی و روش‌های تعیین آن

یکی از محورهای مهم اطلاعاتی جهت برنامه‌ریزی برای توسعه صنایع کوچک و متوسط مناطق کشور به‌ویژه در زمینه سرمایه‌گذاری‌ها و توسعه صادرات، آگاهی از عملکرد عوامل تعیین‌کننده مزیت رقابتی صنایع در تولید و صادرات مستمر و پایدار به بازارهای جهانی است. درواقع، امروزه مزیت رقابت بخش‌های مختلف صنایع هم در تولید و هم در تجارت بهترین ابزار در جهت کمک به برنامه‌ریزی منطقه‌ای محسوب می‌شوند. برجسته‌ترین صاحب نظر در زمینه مطالعات مزیت رقابتی، مایکل پورتر<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) است. وی به بررسی مزیت رقابتی ملت‌ها با تمرکز بر بنیان‌های خرد پرداخته است. البته به نقش سیاست‌های دولت و شرایط کلان اقتصادی قایل نبود، اما نقش محوری بنگاه‌ها و نهادهای خرد را در مقایسه با موضوعات کلان به‌صورت برجسته‌تری نشان داده است. مزیت رقابتی بر خلاف مفهوم مزیت نسبی، چند بعدی است. مزیت رقابتی را نمی‌توان صرفاً مترادف با توانایی مستمر صادرات یک بنگاه یا کشور در نظر داشت زیرا مزیت رقابتی جنبه‌های دیگر رقابت مانند تنوع محصولات، کیفیت، فناوری‌های مختلف، بازدهی نسبت به مقیاس و غیره را در نظر می‌گیرد (خاندوزی، ۱۳۸۵). در صورتی که مزیت نسبی از بهره‌وری بالا و فراوانی عوامل (ارزانی عوامل) نشئت می‌گیرد که همان مزیت هزینه‌ای<sup>۲</sup> در قیمت‌های تعادلی است، اما مزیت رقابتی علاوه بر عواملی که موجب به‌وجود آمدن مزیت نسبی می‌شود، از طریق بهبود مستمر کیفیت، افزایش ویژگی‌های محصولات، بهره‌گیری از فناوری‌های جدید، ارتقاء نظام تولید، بهبود زنجیره تجاری خود و موارد مشابه دیگر، وضعیت برتری نسبت به رقبای حوزه‌های خاص کسب نمایند، اطلاق می‌گردد. بنابراین، مزیت رقابتی به دارا بودن منابع، توانایی‌ها و تخصص‌های بنگاه اشاره دارد به‌طوری‌که این ویژگی‌ها بنگاه را قادر می‌سازد که بازده نهایی بالاتری را به دست

1. Porter, Michael

2. Cost Advantage

آورد. از دیدگاه پورتر، چهار عامل اصلی در ایجاد مزیت رقابتی صنایع موثراند که این عوامل عبارتند از:

### ۲-۱. ویژگی عوامل تولید

پورتر در زمینه عوامل اصلی تولید به دو نوع از این ویژگی‌ها شامل عواملی که موجب تخصص بالا و همچنین موجب بهبود مداوم مزیت رقابتی می‌شوند، تاکید دارد. عواملی مانند منابع انسانی، منابع فیزیکی، منابع سرمایه‌ای، زیرسازیه‌ها و دانش فنی، منابع طبیعی، آب‌وهوا، مکان‌ها و وضعیت جمعیتی موجب تخصص می‌شوند. تمرکز بیشتر بر عوامل پیشرفت‌های مانند فناوری اطلاعات<sup>۱</sup>، نیروی کار ماهر، تحقیق و توسعه و موارد دیگر موجب بهبود مزیت رقابتی می‌شوند و اهمیت بسزایی برای مزیت رقابتی دارند. برخلاف عوامل دسته اول که عرضه آنها به صورت برون‌زا است، عوامل پیشرفته تابع سرمایه‌گذاری‌های افراد، نگاه‌ها و دولت‌ها است. دو نوع از عوامل بالا رابطه پیچیده‌ای با یکدیگر دارند به طوری که عوامل اصلی زیربنای مزیت اولیه اقتصاد را فراهم می‌کنند، اما گسترده شدن و تقویت مزیت‌ها بر عهده عوامل پیشرفته است و این عوامل تمایل دارند که از طریق تخصص‌گرایی رشد نمایند (پیراسته، ۱۳۷۷).

### ۲-۲. شرایط تقاضا

پورتر تاکید زیادی بر نقش تقاضای کشور میزبان به ارتقاء مزیت رقابتی دارد. ساختار بازار تقاضا شامل مواردی مانند چگونگی ترکیب تقاضای داخلی و وضعیت مشتریان، اندازه و الگوی رشد تقاضای داخلی و سرعت اشباع بازار، چگونگی دسترسی مشتریان به بازارهای جهانی و موارد دیگر است. به اعتقاد پورتر، ویژگی‌های تقاضای داخلی در شکل دهی ویژگی‌های محصولات ساخت داخل از جمله نوآوری و کیفیت کاملاً تأثیرگذارند.

### ۲-۳. صنایع مرتبط و پشتیبانی‌کننده

سرمایه‌گذاری یک صنعت در عوامل پیشرفته تولید، حاصل منافع سرریز شده فراتر از محدودیت‌های آن صنعت است. یکی از یافته‌های پورتر در ارتباط با صنایع دارای مزیت رقابتی، شکل‌گیری خوشه‌های صنعتی می‌باشد که نگاه‌های اقتصادی را هم از جهت دسترسی به منابع با کیفیت و هم از جهت تبادل مهارت‌ها و فناوری‌های نوین بسیار کمک می‌نماید (دین محمدی و دل‌انگیزان، ۱۳۸۴).

#### ۲-۴. راهبرد، رقابت و ساختار بنگاه

پورتر، تفاوت‌های نظام‌مندی را در شاخص‌های بخش‌های مختلف کسب و کار در کشورها نشان می‌دهد که تعیین‌کننده‌های مهمی برای روند مزیت رقابتی در صنعت هستند. این شاخصه‌ها عبارتند از: راهبردها، ساختارها، اهداف، فعالیت‌های مدیریتی، نگرش‌های شخصی و تمایل به رقابت در آن بخش از کسب و کار. نکته قابل توجه، رابطه میان رقابت داخلی و خلق مزیت رقابتی پایدار است. رقابت داخلی، تاثیر اساسی در ترغیب به کاهش هزینه‌های تولید، بهبود کیفیت و نوآوری خواهد داشت. برخی از مراحل تولید و توسعه این رقابت داخلی محرک بسیار قویتری نسبت به رقابت با شرکت‌های خارجی دارد.

#### ۳. روش‌ها و الگوهای تعیین مزیت رقابتی

مزیت رقابتی تحت تاثیر عوامل قیمتی و غیرقیمتی مانند کیفیت بالا و خدمات اقتصادی است. اما، در صورت نبود تحلیل عوامل تعیین‌کننده غیرقیمتی می‌توان از معیارهای عملکرد کلیدی (KPI)<sup>۱</sup> که متکی بر داده‌های بعد از تجارت<sup>۲</sup> و پیش از تجارت<sup>۳</sup> است، استفاده کرد. (KPI) معیارهای اندازه‌گیری عوامل قیمتی مزیت رقابتی هستند که انعکاس عملکرد بنگاه از جهت مزیت رقابتی است. این شاخص‌ها برای ارزیابی موقعیت کنونی بنگاه بر مبنای مولفه‌های تعیین‌کننده مزیت رقابتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. (KPI) براساس داده‌های بعد از تجارت می‌توان به شاخص مزیت نسبی آشکار شده (RCA)<sup>۴</sup>، الگوی سهم ثابت (CMS)<sup>۵</sup> و تغییرات سهم بازار<sup>۶</sup> اشاره کرد. الگوی (CMS) تنها عامل تقاضا را مورد توجه قرار می‌دهد اما، در روش (RCA) به عوامل عرضه و تقاضا به طور همزمان توجه می‌شود. (صمدی، ۱۳۸۲) در مطالعات کاربردی به‌ویژه در رابطه با برنامه‌ریزی منطقه‌ای به دلیل عدم وجود آمار و اطلاعات صادرات صنایع کوچک و متوسط بر حسب بازارهای منطقه کمتر از (KPI) (مبتنی بر داده‌های بعد از تجارت) استفاده می‌گردد. از سوی دیگر، ارزش صادرات بازتاب هر دو ویژگی‌های عرضه و تقاضا است و کاهش آن می‌تواند تنها به دلیل کاهش تقاضا یا افزایش قیمت کالاهای صادراتی همراه با کشش بالای قیمتی آنها باشد. این موضوع در حالی است که به نظر می‌رسد که بطور کلی نسبت‌های مکان، پتانسیل‌ها و قابلیت‌های صادراتی فعالیت‌های گوناگون در مناطق مختلف را بهتر آشکار می‌نماید. با توجه به اینکه هدف اصلی این طرح ارزیابی مزیت رقابتی صنایع و کوچک استان اصفهان با استفاده از (KPI) براساس داده‌های پیش از تجارت است، در این قسمت به تشریح این الگو می‌پردازیم. (KPI) پیش از تجارت در برگیرنده مجموعه‌ای از ارزش‌ها را که از طریق خلاصه کردن

1. Key Performance Indicators
2. Ex-Post
3. Ex-Ante
4. Revealed Compranve Advantage
5. Constant Market Share
6. Shift-Share

اطلاعات فعالیت بنگاه‌ها حاصل می‌شود، تعیین می‌کند که برای اندازه‌گیری فعالیت صنعت استفاده می‌شوند. این مجموعه از ارزش‌ها یک شاخص ترکیبی هستند. یکی از متداول‌ترین KPI پیش از تجارت، ضریب مکانی (LQ)<sup>۱</sup> است. ضریب مکانی در متداول‌ترین شکل خود، ابزاری برای اندازه‌گیری میزان تخصص‌گرایی نسبی یک منطقه در بخش‌های گوناگون فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود. در محاسبه ضریب مکانی با توجه به اینکه برخی حساب‌های منطقه‌ای مانند صادرات و واردات برای مناطق یک کشور معمولاً موجود نیست، از آمار اشتغال، ارزش افزوده، سرمایه‌گذاری، ارزش ستاده استفاده می‌شود. به عنوان مثال در محاسبه ضریب مکانی اشتغال در یک صنعت به متغیر مرجعی<sup>۲</sup> که معمولاً یکی از شاخص‌های فعالیت صنعتی در سطح منطقه و کشور است، ارتباط داده می‌شود. سپس، این ارتباط در دو سطح ملی و منطقه‌ای به صورت زیر مورد مقایسه قرار می‌گیرند (تریستر و همکاران، ۲۰۰۲):

$$LQ_{rt}^i = \left( \frac{X_{rt}^i}{\sum_{i=1}^n X_{rt}^i} \right) / \left( \frac{\sum_{r=1}^m X_{rt}^i}{\sum_{r=1}^m \sum_{i=1}^n X_{rt}^i} \right) \quad (1)$$

که در آن،  $X_{rt}^i$ : ارزش متغیر مرجع صنعت  $i$  منطقه  $r$  در زمان  $t$  و  $m$ : تعداد مناطق و  $n$ : تعداد صنایع.

ماهیت محاسبه شاخص ترکیبی مذکور منجر به قواعد ارزیابی ضریب مکانی به صورت زیر می‌گردد:

الف- منطقه، عملکرد بیشتری نسبت به کل کشور در فعالیت مورد نظر دارد.

ب- منطقه و کشور به یک نسبت در فعالیت مورد نظر دارای عملکرد می‌باشد.

ج- منطقه، عملکرد کمتری نسبت به کل کشور در فعالیت مورد نظر دارد.

با مقایسه شاخص پیش گفته با شاخص‌های عملکردی پس از تجارت مانند معیار مزیت نسبی آشکار شده (RCA) می‌توان تفاوت‌ها و شباهت‌ها را آشکار نمود. شاخص‌های مزیت نسبی آشکار شده از جهت پایه و اساس به شاخص‌های ضریب مکانی بسیار شباهت دارند. در واقع می‌توان گفت که شاخص (RCA) نوع خاصی از شاخص ضریب مکانی است. (پیراسته، ۱۳۷۷) شاخص (RCA) به دلیل وجود آمار صادرات کالا به تفکیک کشوری برای نشان دادن مزیت رقابتی در مطالعات تجربی بکار می‌رود. در حالی که ضریب مکانی که عموماً برای فعالیت‌های اقتصادی در چارچوب اقتصاد منطقه‌ای و برنامه‌ریزی منطقه‌ای بکار می‌رود از آمار اشتغال، ارزش افزوده و مشابه آنها به دلیل قابل دسترس بودن استفاده می‌کنند. ضریب مکانی همانند شاخص‌های عملکردی دیگر به عنوان یک نماگر توصیفی حتی در بهترین شرایط نیز معیاری تقریبی و کلی

1. Location Quotien  
2. Refrence Variable

## رتبه‌بندی صنایع کوچک و متوسط استان اصفهان ... ۱۱

است و از جهت کاربردی، محدودیت‌هایی دارد از جمله اینکه نتایج ضریب مکانی تحت تأثیر جزئیات متغیرهای تخصصی انتخاب شده، انتخاب متغیرهای مرجع، انتخاب مکان مرجع، دوره زمانی و البته کیفیت آمارهای موجود قرار دارد. با توجه به اینکه استفاده از نوعی متغیر مرجع در تعیین ضریب مکانی ممکن است انحراف‌هایی را برای تحلیل عملکرد مزیت رقابتی صنایع متوسط استان داشته باشد ارائه چندین ضریب مکانی ضروری است که در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

### ۴. معرفی انواع شاخص‌های عملکرد عوامل تعیین کننده مزیت رقابتی (CAP)<sup>۱</sup>

یکی از دشواری‌های اساسی در تعیین میزان (CAP) صنایع متوسط استان، انتخاب شاخص‌های لازم برای بررسی است که خود وابستگی بسیاری با چارچوب مفهومی مورد نظر دارد. ماهیت چند بعدی مزیت رقابتی، انتخاب چارچوب مفهومی را با دشواری بیشتری مواجه می‌سازد. علاوه بر موارد فوق، کمبود و یا نبود آمار و اطلاعات مناسب و قابل اعتماد نیز موجب می‌شود که شاخص‌های عملکردی مشخصی در بررسی‌ها دخالت داده شوند و برخی شاخص‌های کلیدی مانند سطح فناوری صنایع در نظر گرفته نشوند. با در نظر گرفتن ملاحظات اخیر سعی شده که در فرایند این تحقیق، شاخص‌های معتبری ارائه شود و تلاش شده است که بهترین و همسان‌ترین نوع شاخص‌ها تهیه نشوند و در محاسبات نهایی مورد استفاده قرار گیرند. با توجه به مطالب فوق و همچنین لحاظ نمودن محدودیت‌های موجود در سطح مناطق (استان‌ها)، تلاش می‌شود تا در چارچوب مفاهیم مزیت رقابتی، به ارائه شاخص‌هایی جهت نشان دادن میزان عملکردی عوامل تعیین کننده مزیت رقابتی صنایع متوسط استان پرداخته شود تا از این طریق محورهای اطلاعاتی لازم جهت اولویت‌بندی صنایع متوسط استان فراهم گردد. در بررسی حاضر برای تعیین سطح (CAP) استان در مرحله نخست ۲۵ شاخص انتخاب شدند که با بررسی کارشناسی تعداد معدودی از این متغیرها به دلیل عدم وجود اطلاعات مربوط به همه صنایع متوسط استان و یا به دلیل عدم همسویی با موضوع تحقیق و یا به دلیل دو سویه بودن از بررسی کنار گذاشته شدند و بررسی مورد نظر با شش شاخص انجام شد که به نظر می‌رسد ارتباط مثبت و مستقیمی با سطح عملکرد مزیت رقابتی صنایع متوسط استان داشته باشد. این متغیرها جنبه‌های مختلف عملکرد عوامل مختلف مزیت رقابتی مانند بهره‌وری، دسترسی به منابع اولیه، بهره‌وری نیروی کار و بهره‌دهی تولید، گرایش‌های سرمایه‌گذاری و ایجاد ارزش افزوده آن را نشان می‌دهند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

---

1. Competitive Advantages Detrminate Factor Performance

• شاخص ضریب نسبی گرایش سرمایه گذاری (LI)

$$LI_{rt}^i = \left( \frac{I_{rt}^i}{\sum_{i=1}^n I_{rt}^i} \right) \Bigg/ \left( \frac{\sum_{r=1}^m I_{rt}^i}{\sum_{r=1}^m \sum_{i=1}^n I_{rt}^i} \right) \quad (2)$$

$I_{rt}^i$ : ارزش سرمایه گذاری صنعت  $i$   
منطقه  $r$  در زمان  $t$ ;  $m$ : تعداد مناطق و  
 $n$ : تعداد صنایع

• شاخص ضریب نسبی ایجاد ارزش افزوده (LV): (تریستر و همکاران، ۲۰۰۴)

$$LV_{rt}^i = \left( \frac{V_{rt}^i}{\sum_{i=1}^n V_{rt}^i} \right) \Bigg/ \left( \frac{\sum_{r=1}^m V_{rt}^i}{\sum_{r=1}^m \sum_{i=1}^n V_{rt}^i} \right) \quad (3)$$

$V_{rt}$ : ارزش افزوده صنعت  $i$  در منطقه  $r$   
در زمان  $t$

• شاخص ضریب نسبی اشتغالیابی (LL)

$$LL_{rt}^i = \left( \frac{L_{rt}^i}{\sum_{i=1}^n L_{rt}^i} \right) \Bigg/ \left( \frac{\sum_{r=1}^m L_{rt}^i}{\sum_{r=1}^m \sum_{i=1}^n L_{rt}^i} \right) \quad (4)$$

$V_{rt}$ : تعداد شاغلین صنعت  $i$  در منطقه  $r$  در زمان  $t$

• شاخص ضریب نسبی بهره وری نیروی کار (LVL)

$$LVL_{rt}^i = \left( \frac{V_{rt}^i / L_{rt}^i}{\sum_{i=1}^n V_{rt}^i / \sum_{i=1}^n L_{rt}^i} \right) \Bigg/ \left( \frac{\sum_{r=1}^m V_{rt}^i / \sum_{r=1}^m L_{rt}^i}{\sum_{r=1}^m \sum_{i=1}^n V_{rt}^i / \sum_{r=1}^m \sum_{i=1}^n L_{rt}^i} \right) \quad (5)$$

• شاخص ضریب نسبی بهره دهی تولیدات (LVT)

$$LVT_{rt}^i = \left( \frac{V_{rt}^i / T_{rt}^i}{\sum_{i=1}^n V_{rt}^i / \sum_{i=1}^n T_{rt}^i} \right) \Bigg/ \left( \frac{\sum_{r=1}^m V_{rt}^i / \sum_{r=1}^m T_{rt}^i}{\sum_{r=1}^m \sum_{i=1}^n V_{rt}^i / \sum_{r=1}^m \sum_{i=1}^n T_{rt}^i} \right) \quad (6)$$

$T_{rt}$ : ارزش ستاده صنعت  $i$  در منطقه  $r$  در زمان  $t$ .

• ضریب نسبی درصد وابستگی به مواد اولیه داخلی<sup>۱</sup>

$$LMK_{rt}^i = \left( \frac{M_{rt}^i / K_{rt}^i}{\sum_{i=1}^n M_{rt}^i / \sum_{i=1}^n K_{rt}^i} \right) \Bigg/ \left( \frac{\sum_{r=1}^m M_{rt}^i / \sum_{r=1}^m K_{rt}^i}{\sum_{r=1}^m \sum_{i=1}^n M_{rt}^i / \sum_{r=1}^m \sum_{i=1}^n K_{rt}^i} \right) \quad (7)$$

$M_{rt}$ : ارزش واردات مواد اولیه داخلی صنعت  $i$  در منطقه  $r$  در زمان  $t$ .

۱. در این پژوهش ابتدا از آمار ارزش مواد اولیه خارجی مورد استفاده صنایع در تخمین استفاده شده است که به جهت عدم همسویی با شاخص های دیگر، از عکس این شاخص در رتبه بندی صنایع استفاده شده است.



### ۵. روش رتبه بندی

روش‌های آماری مختلفی وجود دارد که به کمک آن‌ها می‌توان به رتبه بندی صنایع نسبت به یکدیگر پرداخت. از عمده‌ترین فنون آماری در این زمینه می‌توان به روش تاکسونومی عددی<sup>۱</sup>، تحلیل خوشه‌ای<sup>۲</sup>، تحلیل عاملی<sup>۳</sup>، تحلیل مولفه‌های اصلی<sup>۴</sup> و مدل جبرانی تصمیم‌گیری‌های چندمعیاره<sup>۵</sup> اشاره کرد. علیرغم اینکه هر یک از این روش‌ها کاربرد جداگانه‌ای دارند هم به‌عنوان روش‌های مکمل و هم به صورت جایگزین مورد استفاده قرار می‌گیرند. به عنوان مثال، روش کلاستر گروه‌های همگن را از یک جامعه ناهمگن تعیین می‌کند، تاکسونومی عددی، همگی جامعه را بررسی نموده و به رتبه‌بندی اعضای جامعه می‌پردازد و روش تجزیه و تحلیل به مولفه‌های اصلی به عنوان مکمل روش تاکسونومی عددی، همبستگی خطی بین شاخص‌ها را رفع می‌نماید و همچنین به تنهایی برای رتبه‌بندی گروه‌های مورد نظر بکار می‌رود. روش مورد نظر در این تحقیق براساس نوع شاخص‌های قابل دسترس و برخی ملاحظات از تکنیک آنتروپی و (TOPSIS)<sup>۶</sup> است که در واقع، روشی در مدل جبرانی تصمیم‌گیری‌های چند معیاره است. روش (TOPSIS) یکی از تکنیک‌هایی است که از اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی تاکنون در بسیاری از رشته‌ها مورد توجه قرار گرفته است و از آن برای تعیین سطح‌بندی مناطق، طبقه‌بندی شهرها و تجزیه و تحلیل‌های جامعه‌شهری و نیز اندازه‌گیری تغییرات فضایی در بهداشت اجتماعی و اقتصادی بسیار استفاده شده است. از این روش می‌توان برای بکارگیری داده‌ها و کاهش احتمالی خطا در شرایطی که نیاز به قضاوت نظری وجود دارد بخوبی استفاده کرد. با بکارگیری تحلیل می‌توان متغیرها را در قالب شاخص‌هایی که ابعاد اساسی ویژه‌ای را توصیف می‌کنند و یا پدیده‌های ساختاری اساسی کل شرایط مطالعه را منعکس می‌کنند، ترکیب کرد (اصغرپور، ۱۳۸۱). مراحل انجام تحلیل (TOPSIS) را به چند مرحله به شرح زیر خلاصه می‌کنند:

1. Numerical Taxonomy
2. Cluster Analysis
3. Factor Analysis
4. Principal Components
5. Multiple Criteria Decision Making
6. Technique For Order Preference by Similarity to Ideal Solution

### ۵-۱. تشکیل ماتریس داده‌های اصلی

در این مرحله ماتریس داده‌های اصلی اولیه که هر سطر آن به یک منطقه و هر ستون آن به یک متغیر اختصاص دارد تشکیل می‌شود. ماتریس داده‌های اولیه در این بررسی شامل ۲۲ سطر (درب‌گیرنده ۲۲ صنعت) و ۶ ستون (درب‌گیرنده ۶ شاخص) است.

### ۵-۲. تشکیل ماتریس بی‌مقیاس شده

در این مرحله با استفاده از روش انتقال بر مبنای فرمول زیر ماتریس بی‌مقیاس را از داده‌های اولیه تشکیل می‌دهیم. این مرحله مجموع مجذور هر یک از شاخص با بکارگیری فرمول زیر انجام می‌شود:

$$n_{ij} = r_{ij} / \sqrt{\sum_{i=1}^m r_{ij}^2} \quad (8)$$

۵-۳ ایجاد ماتریس «بی‌مقیاس»: در این مرحله با مفروض بودن بردار وزن شاخص‌ها،  $W$ ، به عنوان ورودی به الگوریتم، اقدام به تشکیل ماتریس بی‌مقیاس می‌نمایم.

$$W = \{w_1, w_2, \dots, w_n\} \approx (DM \text{ از مفروضات}) \quad (\text{بردار یا وزن شاخص‌ها}) \quad (9)$$

$$V = N_D \cdot W_{n \times n} = \begin{vmatrix} V_{11} & \dots & V_{1j} & \dots & V_{1n} \\ \vdots & & \vdots & & \vdots \\ V_{m11} & \dots & V_{mj} & \dots & V_{mn} \end{vmatrix} = \text{ماتریس بی‌مقیاس با اعمال وزن شاخص‌ها} \quad (10)$$

باتوجه به اینکه در این پژوهش ضرایب متغیرها مشخص نیستند، از طریق تکنیک آنتروپی به صورت زیر وزن شاخص‌ها محاسبه می‌شود. محتوای اطلاعاتی موجود از این ماتریس را ابتدا به صورت  $(p_{ij})$  در ذیل محاسبه می‌کنیم.

$$p_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sum_{i=1}^m r_{ij}} \quad ; \quad \forall i, j$$

و برای  $E_j$  از مجموعه  $p_{ij}$  ها به ازای هر مشخصه خواهیم داشت:

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [p_{ij} \cdot \ln p_{ij}] \quad ; \quad \forall j$$

که  $k = \frac{1}{\ln m}$  است. عدم اطمینان یا درجه

انحراف  $(d_j)$  از اطلاعات ایجاد شده به ازای شاخص  $j$ ام به این صورت است:  $d_j = 1 - E_j$  و در نهایت، برای اوزان  $(W_j)$  از شاخص‌های موجود خواهیم داشت:

$$w_j = \frac{d_j}{\sum_{i=1}^n d_j} \quad ; \quad \forall j \quad (11)$$

#### ۴-۵. مشخص نمودن راه حل ایده‌آل مثبت و راه حل ایده‌آل منفی

برای گزینه ایده‌آل  $(A^+)$  و ایده‌آل - منفی  $(A^-)$  تعریف کنیم:

$$A^+ = \{(\max_{j \in J} V_{ij} \mid j \in J), (\min_{j \in J'} V_{ij} \mid j \in J') \mid i = 1, 2, \dots, m\}$$

$$= \{V_1^+, V_2^+, \dots, V_j^+, \dots, V_n^+\}$$

گزینه ایده‌آل مثبت

$$A^- = \{(\min_{j \in J} V_{ij} \mid j \in J), (\max_{j \in J'} V_{ij} \mid j \in J') \mid i = 1, 2, \dots, m\}$$

$$= \{V_1^-, V_2^-, \dots, V_j^-, \dots, V_n^-\}$$

گزینه ایده‌آل منفی  
به صورتی که

$$J = \{j = 1, 2, \dots, n \mid \text{زهای مربوط به شاخص}\}$$

$$J' = \{j = 1, 2, \dots, n \mid \text{زهای مربوط به صنایع}\}$$

#### ۵-۵. محاسبه انحراف و شاخص‌ها از ایده‌آل‌های مثبت و منفی

فاصله گزینه  $i$  ام با ایده‌آل‌ها با استفاده از روش اقلیدسی به این صورت است:

$$d_i^+ = \text{فاصله گزینه } i \text{ از ایده‌آل مثبت} = \left\{ \sum_{j=1}^n (V_{ij}^+)^2 \right\}^{0/5}; i = 1, 2, \dots, m \quad (12)$$

$$d_i^- = \text{فاصله گزینه } i \text{ از ایده‌آل منفی} = \left\{ \sum_{j=1}^n (V_{ij}^-)^2 \right\}^{0/5}; i = 1, 2, \dots, m \quad (13)$$

#### ۶-۵. محاسبه نزدیکی نسبی گزینه‌ها به ایده‌آل‌ها

این نزدیکی نسبی را به صورت زیر تعریف می‌کنیم که در این پژوهش به عنوان شاخص توسعه‌ای عملکرد عوامل تعیین‌کننده مزیت رقابتی (CAP) معروف است.

$$cl_{i+} = \frac{d_i^-}{(d_i^+ + d_i^-)}; 0 \leq cl_{i+} \leq 1; i = 1, 2, \dots, m \quad (14)$$

ملاحظه می‌شود که چنانچه  $A_i = A^+$  شود، در این صورت  $d_{i+} = 0$  بوده و خواهیم داشت:  $cl_{i+} = 1$  و در صورتی که  $A_i = A^-$  شود،  $d_{i+} = 0$  بوده و  $cl_{i+} = 0$  خواهیم شد. بنابراین، هر اندازه گزینه  $A_i$  به راه حل ایده‌آل  $(A^+)$  نزدیکتر باشد، ارزش  $cl_{i+}$  به واحد نزدیکتر خواهد بود.

#### ۵-۷. رتبه‌بندی گزینه‌ها

بر اساس ترتیب نزولی  $Cl_{i+}$  می‌توان گزینه‌های موجود از مساله مفروض را رتبه‌بندی نمود.

#### ۶. تحلیل نتایج

نتایج رتبه‌بندی صنایع کوچک و متوسط استان بر اساس شاخص توسعه‌ای (CAP) در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۴ در جدول (۱) ارائه شده است. این جدول همچنین رتبه و وضعیت تغییرات شاخص توسعه‌ای (CAP) صنایع کوچک و متوسط استان اصفهان را در سال‌های مذکور ارائه می‌نماید. بر اساس این جدول، جایگاه صنایع کوچک و متوسط استان از جهت شاخص توسعه‌ای (CAP) در سال ۱۳۸۴ در مقایسه با سال ۱۳۷۵ پایدار نبوده و تغییرات بسیاری داشته است. این تغییرات برای برخی از صنایع قابل توجه بوده است. بر اساس جدول (۱) در سال ۱۳۸۴، شاخص توسعه‌ای (CAP) صنایع تولید منسوجات (۰/۵۸۰۰)، تولید کاغذ و محصولات کاغذی (۰/۴۸۹۱) استان اصفهان در مقایسه با سایر صنایع بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده‌اند و از این جهت جزء صنایع پیش‌تاز هستند. نکته قابل توجه این است که وضعیت شاخص در مقایسه با سال ۱۳۷۵ وضعیت روبه‌رشد را نشان می‌دهد به ویژه اینکه برای صنعت تولید کاغذ و محصولات کاغذی شاخص (CCP) از ۰/۱۷۴۵ به ۰/۴۸۹۱ افزایش بسیاری یافته است که این موضوع باعث ارتقاء رتبه آن از ۱۶ به ۲ می‌شود. دسته دوم از صنایع استان در سال ۱۳۸۴ دارای شاخص توسعه‌ای (CAP) بین ۰/۳۱۴۸ و ۰/۳۳۴۰ است. این صنایع شامل تولید ماشین‌آلات اداری و حسابگر و محاسباتی (۰/۳۳۴۰)، تولید چوب و محصولات چوبی غیرمبلمان (۰/۳۲۹۱)، تولید وسایل نقلیه موتوری (۰/۳۲۳۸) و تولید سایر محصولات کانی غیر فلزی (۰/۳۱۴۸) است. صنایع مذکور جزء دومین گروه صنایع کوچک و متوسط استان که از بالاترین عملکرد مزیت رقابتی برخوردارند و از این جهت رتبه‌های سوم تا ششم را به خود اختصاص داده‌اند.

رتبه‌بندی صنایع کوچک و متوسط استان اصفهان ... ۱۷

جدول ۱. رتبه صنایع متوسط استان بر حسب شاخص توسعه‌ای عملکرد عوامل تعیین‌کننده مزیت رقابتی

ردیف	۱۳۸۴		۱۳۷۵		شرح کالا	کد فعالیت
	رتبه	شاخص توسعه‌ای CAP	رتبه	شاخص توسعه‌ای CAP		
▲	۱	۰/۵۸۰۰	۲	۰/۵۰۱۶	تولید منسوجات	۱۷
▲	۲	۰/۴۸۹۱	۱۶	۰/۱۷۴۵	تولید کاغذ و محصولات کاغذی	۲۱
▲	۳	۰/۳۳۴۰	۲۲	۰/۰۰۰۰	تولید ماشین آلات اداری و حسابگر و محاسباتی	۳۰
▲	۴	۰/۳۲۹۱	۱۰	۰/۲۲۱۶	تولید چوب و محصولات چوبی غیر مبلمان	۲۰
▲	۵	۰/۳۲۳۸	۶	۰/۲۸۶۸	تولید وسایل نقلیه موتوری	۳۴
▼	۶	۰/۳۱۴۸	۳	۰/۳۴۷۴	تولید سایر محصولات کانی غیر فلزی	۲۶
▲	۷	۰/۲۹۸۸	۱۲	۰/۲۱۷۵	تولید سایر وسایل حمل و نقل	۳۵
▲	۸	۰/۲۹۶۴	۲۰	۰/۱۴۶۷	تولید رادیو و تلویزیون و دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی	۳۲
▲	۹	۰/۲۹۴۸	۱۱	۰/۲۱۹۶	تولید ماشین آلات و تجهیزات طبقه بندی نشده در جای دیگر	۲۹
▼	۱۰	۰/۲۵۴۲	۷	۰/۲۸۵۳	تولید فلزات اساسی	۲۷
▼	۱۱	۰/۲۱۴۳	۹	۰/۲۴۷۰	تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۲۵
▲	۱۲	۰/۲۰۷۸	۱۵	۰/۱۹۷۱	صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی	۲۴
▼	۱۳	۰/۲۰۲۰	۴	۰/۳۳۸۹	تولید محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۲۸
▼	۱۴	۰/۲۰۰۶	۱	۰/۵۵۶۳	دباغی و عمل آوردن چرم و ساخت کیف و چمدان و تولید کفش	۱۹
▼	۱۵	۰/۱۸۵۰	۸	۰/۲۵۴۱	صنایع تولید زغال سنگ - پالایشگاه نفت و سوخت هسته‌ای	۲۳
▼	۱۶	۰/۱۸۴۱	۵	۰/۳۱۱۱	تولید ماشین آلات مولد و انتقال برق و دستگاه‌های برقی	۳۱
▼	۱۷	۰/۱۶۲۷	۱۳	۰/۲۰۶۶	تولید مبلمان	۳۶
▼	۱۸	۰/۱۵۰۹	۱۸	۰/۱۵۶۱	تولید ابزار پزشکی و وسایل اپتیکی	۳۳
▼	۱۹	۰/۱۴۵۱	۱۹	۰/۱۵۳۸	صنایع مواد غذایی و آشامیدنی	۱۵
▼	۲۰	۰/۱۲۹۱	۱۴	۰/۲۰۰۵	انتشار و چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده	۲۲
▼	۲۱	۰/۱۲۰۳	۱۷	۰/۱۷۴۵	تولید پوشاک، عمل آوردن و رنگ کردن پوست خزدار	۱۸
▲	۲۲	۰/۰۵۶۱	۲۱	۰/۰۱۷۸	بازیافت	۳۷
		۰/۳۲۳۵			ضریب همبستگی	

مأخذ: نتایج تحقیق.

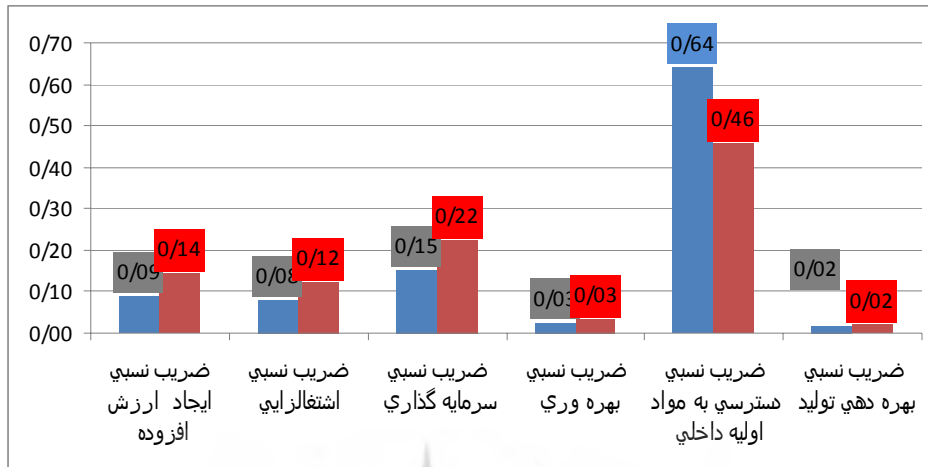
از این میان، عملکرد مزیت رقابتی استان در زمینه فعالیت تولید ماشین‌آلات اداری و حسابگر و محاسباتی و تولید چوب و محصولات چوبی غیرمبلمان طی سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۴ بسیار زیاد و افزایشی بوده است. شاخص توسعه‌ای (CAP) برای هر یک از صنایع مذکور به ترتیب از ۰/۰۰۰۰ به ۰/۳۳۴۰ و از ۰/۲۲۱۶ به ۰/۳۲۹۱ افزایش یافته است. البته میزان شاخص توسعه‌ای (CAP) برای صنایع تولید وسایل نقلیه موتوری از ۰/۲۸۶۸ به ۰/۳۲۳۸ ارتقاء می‌یابد که این تغییرات در مقایسه با تغییرات پیش گفته چندان قابل توجه نیست اما، در مجموع نشان‌دهنده بهبود نسبی عملکرد مزیت رقابتی استان در بخش‌های مذکور است. علاوه بر این، شاخص توسعه‌ای (CAP) برای صنایع تولید سایر محصولات کانی غیر فلزی از ۰/۳۴۷۴ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۳۱۴۸ در سال ۱۳۸۴ کاهش می‌یابد و رتبه آن از ۳ به ۶ افزایش می‌یابد که نشان‌دهنده نزول عملکرد نسبی مزیت رقابتی آن است.

سومین گروه از صنایع استان اصفهان برمبنای شاخص توسعه‌ای (CAP) به هشت گروه صنعتی اختصاص دارد. از این میان، شاخص توسعه‌ای (CAP) برای چهار گروه طی سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۴ افزایش یافته است. این دسته از صنایع شامل تولید سایر وسایل حمل و نقل<sup>۱</sup> (۰/۲۱۷۵-۰/۲۹۸۸)، تولید رادیو و تلویزیون و دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی (۰/۱۴۶۷-۰/۲۹۶۴)، تولید ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر (۰/۲۱۹۶-۰/۲۹۴۸) و صنایع تولید مواد و محصولات شیمیایی (۰/۱۹۷۱-۰/۲۰۷۸) است. در میان صنایع مذکور، بیشترین افزایش در عملکرد مزیت رقابتی به صنایع کوچک تولید رادیو و تلویزیون و دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی اختصاص دارد، به طوری که از رتبه ۲۰ در سال ۱۳۷۵ به رتبه ۸ در سال ۱۳۸۴ کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، شاخص توسعه‌ای (CAP) برای چهار گروه صنعتی دیگر طی سال‌های مورد مطالعه روند کاهشی داشته است. بیشترین کاهش به تولید دباغی و عمل آوردن چرم و ساخت کیف، چمدان و تولید کفش و تولید محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات اختصاص دارد. شاخص توسعه‌ای (CAP) برای صنایع تولید دباغی و عمل آوردن چرم و ساخت کیف، چمدان و تولید کفش از ۰/۵۵۶۳ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۲۰۰۶ در سال ۱۳۸۴ کاهش یافته است. این درحالی است که رتبه عملکرد مزیت رقابتی صنعت مذکور در سال ۱۳۷۵ از رتبه ۱ به رتبه ۱۴ در سال ۱۳۸۴ تنزل یافته است. در این راستا رتبه صنعت تولید محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین‌آلات و تجهیزات از ۴ به ۱۳ تنزل داشته است. البته در سال‌های مورد مطالعه، رتبه صنایع دیگری مانند تولید فلزات اساسی از ۷ به ۱۰ و صنایع تولید محصولات لاستیکی و پلاستیکی از ۹

۱. ارزش شاخص (CAP) در سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۴ است.

## رتبه‌بندی صنایع کوچک و متوسط استان اصفهان ... ۱۹

به ۱۱ تنزل داشته است. آخرین گروه از صنایع کوچک و متوسط مورد بررسی شامل ۸ گروه صنعتی است که رتبه‌های ۱۵ تا ۲۲ را به خود اختصاص داده‌اند. از این میان، طی سال‌های مورد بررسی، شاخص توسعه‌ای (CAP) تنها برای صنایع بازیافت افزایش یافته اما، برای سایر صنایع روند کاهشی داشته است. بیشترین کاهش عملکرد مزیت رقابتی به صنایع تولید ماشین‌آلات مولد و انتقال برق و دستگاه‌های برقی (۰/۳۱۱۱-۰/۱۸۴۱)، صنایع تولید زغال سنگ - پالایشگاه نفت و سوخت هسته‌ای (۰/۳۱۱۱-۰/۱۸۴۱)، تولید میلمان (۰/۲۰۶۶-۰/۱۶۲۷) و انتشار و چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط‌شده (۰/۲۰۰۵-۰/۱۲۹۱) اختصاص دارد. صنایع مذکور در سال ۱۳۷۵ به ترتیب رتبه‌های ۵، ۸، ۱۳ و ۱۴ را به خود اختصاص داده‌اند. سایر صنایع مانند تولید ابزار پزشکی و وسایل اپتیکی، صنایع مواد غذایی و آشامیدنی و تولید پوشاک، عمل آوردن و رنگ کردن پوست خزدار روند کاهشی محسوسی داشته‌اند. بخش دیگری از این مطالعه به بررسی درجه اهمیت اختصاص دارد. نمودار (۱)، ضریب اهمیت شاخص‌ها را که به روش آنروپی بدست آمده بر حسب سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۴ نشان می‌دهد. براساس این نمودار، شاخص درصد وابستگی به مواد اولیه داخلی و ضریب سرمایه‌گذاری در مقایسه با شاخص‌های دیگر به ترتیب دارای بیشترین درجه اهمیت در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۴ است. در سال ۱۳۸۴، ضریب اهمیت شاخص وابستگی به مواد اولیه داخلی در مقایسه با سال ۱۳۷۵ به میزان ۰/۱۸ واحد افزایش یافته و در عوض ضریب اهمیت شاخص سرمایه‌گذاری ۷ واحد کاهش یافته است. آنچه مشهود است طی یک دهه، دو عامل اصلی و تعیین‌کننده وابستگی به مواد اولیه داخلی و سرمایه‌گذاری نقش مهم و کلیدی را در بهبود عملکرد مزیت رقابتی صنایع کوچک و متوسط استان دارند. البته نقش و اهمیت سایر متغیرها در این زمینه بی‌تاثیر نیست. در سال ۱۳۸۴، ضریب اهمیت ایجاد ارزش افزوده و اشتغال زایی به ترتیب ۰/۱۴ و ۰/۱۲ بوده است در حالی که ضریب اهمیت شاخص بهره‌وری و بهره‌دهی تولید به ترتیب ۰/۰۳ و ۰/۰۲ است که بسیار ناچیز و قابل صرف‌نظر کردن است.



نمودار ۱. میزان ضریب اهمیت هریک از شاخص های عملکردی مزیت رقابتی استان

## ۷. جمع بندی و پیشنهادات

نتایج بدست آمده از ارزیابی عملکرد مزیت رقابتی صنایع کوچک و متوسط استان نشان دهنده این است که بهبود یا عدم بهبود در عملکرد مزیت رقابتی صنایع استان، فرایندی انعطاف پذیر و همچنین نشان دهنده عدم پایداری نسبی در موقعیت آنها است. این موضوع به این معنا است که ارتقاء عملکرد مزیت رقابتی صنایع کوچک و متوسط استان فرایند چندان دشواری نیست. با توجه به اینکه همه صنایع کوچک و متوسط استان اصفهان سعی دارند عملکرد مزیت رقابتی خود را بهبود بخشند، دستیابی به بهبود نسبی چندان مشکل به نظر نمی رسد. برخی صنایع متوسط و کوچک عملکرد مزیت رقابتی خود را بهبود بخشیدند و در برخی دیگر از صنایع نه تنها بهبودی حاصل نشد بلکه عملکرد مزیت رقابتی آنها کاهش بسیاری نیز داشته است. صنایعی که در سال ۱۳۷۵ از عملکرد نسبی خوبی برخوردار بودند، در سال ۱۳۸۴ نه تنها موقعیت خود را حفظ نکردند بلکه به شدت تنزول یافتند. به عنوان مثال می توان به صنایع دباغی و عمل آوردن چرم و ساخت کیف و چمدان و تولید کفش و تولید ماشین آلات مولد و انتقال برق و دستگاه های برقی اشاره کرد. در مقابل، بسیاری از صنایع، عملکرد نسبی خود را بهبود بخشیده اند که از جمله این صنایع شامل تولید ماشین آلات اداری و حسابگر و محاسباتی، تولید کاغذ و محصولات کاغذی است. بطور کلی رتبه بندی شاخص توسعه (CAP) صنایع متوسط و کوچک استان بین سال های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۴ تغییرات بسیاری کرده است. ضریب همبستگی بین مقادیر شاخص ها برای دو سال مذکور



## رتبه‌بندی صنایع کوچک و متوسط استان اصفهان ... ۲۱

۰/۳۲ است و این موضوع نشان دهنده تغییرات زیاد بین وضعیت عملکردی مزیت رقابتی صنایع طی یک دهه است. آنچه مسلم است، چنین تغییراتی چشم‌انداز بهبود نسبی عملکرد مزیت رقابتی برای بیشتر صنایع کوچک و متوسط را به ویژه آن دسته از صنایعی که به منابع اولیه داخلی و منابع مالی برای سرمایه‌گذاری دسترسی دارند، بسیار محتمل است.

### منابع

- اصغرپور، محمد جواد (۱۳۸۱)، *تصمیم‌گیری‌های چند معیاره*، دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- پیراسته، حسین (۱۳۷۷)، "بررسی و تحلیل شاخص‌های مزیت نسبی منطق‌های در ایران با تاکید خاص بر صنایع استان آذربایجان شرقی"، تبریز: مجموعه سخنرانی‌ها و گزینه مقالات چهارمین همایش نقش توسعه صادرات غیرنفتی کشور.
- دین محمدی، مصطفی و سهراب دل انگیزان (۱۳۸۴)، *بررسی جایگاه خوشه‌های صنعتی در کسب مزیت رقابتی و توان صادراتی (مورد کاوی صنایع پوشاک و نساجی چین)*، دانشگاه رازی.
- خاندوزی، احسان (۱۳۸۵)، "برآورد شاخص توان رقابت‌پذیری اقتصاد ایران در شرایط جهانی شدن"، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- صمدی، علی حسین (۱۳۸۲)، "ارزیابی تأثیر رقابت‌پذیری صادرات بر رشد صادرات ایران کاربرد الگوی سهم ثابت بازار (CMS)"، مجموعه سخنرانی‌ها و گزینه مقالات هفتمین همایش توسعه صادرات غیرنفتی کشور، ۲۱-۲۰ مهرماه ۸۱ تبریز، اتاق بازرگانی تبریز.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵-۱۳۸۴)، *طرح آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی کشور*.
- کی مرآم، فرید و نیره اسحق‌زاده (۱۳۸۲)، "نقش صنایع کوچک و متوسط در اقتصاد ایران و راهکارهای توسعه و ارتقاء این صنایع"، مجموعه مقالات *اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت*، تهران: سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی، با همکاری دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، سازمان صنایع و نوسازی صنایع ایران، گروه پژوهشی صنعتی آریا.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، *نتایج آمارگیری از کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر*، ص ۴۳۲.
- نبیلی، مسعود (۱۳۸۲)، "استراتژی توسعه صنعتی جمهوری اسلامی ایران"، دانشگاه صنعتی شریف، دانشکده مدیریت و اقتصاد تهیه شده برای وزارت صنایع و معادن.

Brühlhart, M. (2001), "Marginal Intra-Industry Trade: Towards a Measure of Non-Disruptive Trade Expansion", University of Lausanne, Mimeo.

- Devereux, M., Griffith, R. & H. Simpson** (2001), "The Geography of Firm Formation", Institute for Fiscal Studies, London, Mimeo.
- Porter, M. E.** (1990), "The Competitive Advantages of Nation", The Free Press Adivision of Macmillan.
- Traistaru, I. & A Iara** (2002), "European Integration, Regional Specialization and Location of Industrial Activity in Accession Countries: Data and Measurement", Center for European Integration Studies.
- Traistaru, I., Nijkamp, P. S & Longhi** (2004), "Economic Integration, Specialization of Regions and Concentration of Industries in EU Accession Countries, Center for European Integration Studies", University of Bonn.



رتبه‌بندی صنایع کوچک و متوسط استان اصفهان ... ۲۳

پیوست

شاخص‌های مورد استفاده جهت رتبه‌بندی صنایع کوچک و متوسط در استان اصفهان

is2	ضرب مکانی ارزش افزوده		ضرب مکانی اشتغال		ضرب مکانی سرمایه‌گذاری		ضرب مکانی بهره‌وری		درصد منابع داخلی		بهره‌دهی تولید	
	۱۳۷۵	۱۳۸۴	۱۳۷۵	۱۳۸۴	۱۳۷۵	۱۳۸۴	۱۳۷۵	۱۳۸۴	۱۳۷۵	۱۳۸۴	۱۳۷۵	۱۳۸۴
۱۵	۰/۴۱۳۹	۰/۳۸۲۸	۰/۴۶۷۷	۰/۴۴۶۹	۰/۳۶۷۳	۰/۵۶۹۱	۰/۸۸۴۹	۰/۸۵۶۶	۱/۱۴۳۷	۲/۱۷۶۲	۰/۹۸۹۱	۰/۸۶۳۹
۱۷	۲/۴۵۳۴	۳/۳۰۱۷	۲/۴۱۶۸	۲/۹۶۱۷	۲/۱۸۰۲	۲/۵۹۰۲	۱/۰۱۵۱	۱/۱۱۴۸	۰/۴۹۹۵	۱/۰۲۴۹	۱/۰۰۵۰	۰/۹۹۶۱
۱۸	۰/۳۱۸۵	۰/۲۳۷۸	۰/۲۵۶۵	۰/۲۹۶۱	۰/۰۹۶۹	۰/۰۳۱۹	۱/۲۴۱۷	۰/۸۰۳۱	۱/۳۵۶۷	۰/۱۷۹۳	۱/۱۸۰۵	۱/۱۷۳۳
۱۹	۰/۶۸۱۰	۰/۴۵۳۶	۰/۵۱۶۵	۰/۲۹۹۰	۰/۱۱۶۷	۰/۳۷۸۵	۱/۳۱۸۳	۱/۵۱۶۹	۵۸/۹۵۰۶	۰/۱۴۷۲	۱/۰۹۴۶	۱/۳۱۸۱
۲۰	۰/۸۱۴۶	۰/۴۶۱۵	۰/۷۹۱۰	۰/۴۹۶۰	۰/۲۴۸۳	۰/۰۵۳۷	۱/۰۲۹۸	۰/۹۳۰۴	۱/۰۶۲۲	۱۰/۴۹۶۰	۱/۲۵۳۳	۱/۶۰۱۱
۲۱	۰/۳۸۴۹	۰/۷۶۳۵	۰/۶۱۴۳	۰/۳۹۵۲	۰/۳۶۲۶	۰/۵۵۴۹	۰/۶۲۶۶	۱/۹۳۲۰	۴/۹۸۹۳	۱۷/۹۰۰۲	۱/۲۳۳۳	۱/۷۵۹۴
۲۲	۰/۴۲۲۹	۰/۲۲۶۶	۰/۳۴۹۵	۰/۲۴۹۵	۰/۱۳۳۵	۰/۱۴۱۲	۱/۲۰۹۹	۰/۹۰۸۲	۱/۶۴۳۶	۰/۲۵۵۳	۱/۵۰۳۶	۱/۱۷۳۱
۲۳	۰/۴۰۲۹	۰/۶۰۶۶	۰/۷۳۶۸	۰/۵۲۷۲	۱/۱۶۱۸	۰/۸۳۴۹	۰/۵۴۶۸	۱/۱۵۰۶	۱۱/۳۵۱۲	#DIV/0!	۰/۵۰۰۷	۰/۹۲۱۷
۲۴	۰/۵۸۴۲	۰/۳۹۹۷	۰/۷۱۰۰	۰/۵۷۸۳	۰/۵۸۶۴	۱/۳۴۸۸	۰/۸۲۲۹	۰/۶۹۱۲	۵/۲۳۶۴	۲/۲۷۳۲	۰/۸۲۴۲	۰/۹۹۲۱
۲۵	۰/۷۶۷۲	۰/۵۱۳۶	۰/۹۲۶۱	۰/۶۷۱۱	۰/۹۸۸۰	۰/۹۳۵۲	۰/۸۲۸۴	۰/۷۶۵۳	۲/۲۴۲۹	۴/۱۰۷۳	۰/۷۹۸۷	۰/۹۶۵۲
۲۶	۱/۳۸۶۷	۱/۴۶۳۷	۱/۱۴۴۷	۱/۲۶۷۴	۱/۳۸۰۹	۱/۲۲۶۹	۱/۲۱۱۴	۱/۱۵۴۹	۰/۸۸۳۹	۰/۴۱۳۳	۰/۹۸۳۶	۰/۹۲۹۳
۲۷	۱/۱۵۴۳	۱/۰۰۱۶	۱/۲۳۱۴	۱/۲۳۶۴	۰/۵۸۸۰	۰/۷۱۲۱	۰/۹۳۷۴	۰/۸۱۰۰	۰/۲۶۵۴	۲/۶۸۹۴	۱/۱۶۲۵	۰/۷۸۶۸
۲۸	۰/۹۳۱۲	۰/۷۴۶۱	۰/۸۵۷۹	۰/۸۰۶۳	۱/۹۳۱۷	۰/۵۶۶۱	۱/۰۸۵۴	۰/۹۲۵۴	۰/۸۹۰۲	۲/۰۹۹۷	۱/۰۲۸۳	۱/۱۰۳۴
۲۹	۰/۶۶۷۸	۰/۸۴۴۶	۰/۸۰۵۳	۰/۸۵۴۱	۰/۷۹۵۶	۱/۹۹۱۳	۰/۸۲۹۲	۰/۹۸۸۹	۰/۷۱۰۲	۰/۶۶۱۴	۱/۰۲۶۸	۱/۱۳۳۶
۳۰	۰/۰۰۰۰	۰/۵۳۳۳	۰/۰۰۰۰	۰/۷۱۸۰	۰/۰۰۰۰	۲/۹۷۷۵	#####	۰/۷۴۲۸	#DIV/0!	۰/۳۴۶۲	#DIV/0!	۱/۰۸۳۹
۳۱	۰/۹۸۷۷	۰/۶۹۴۲	۰/۷۵۹۲	۰/۷۸۴۵	۱/۴۷۲۸	۰/۷۶۳۲	۱/۳۰۰۹	۰/۸۸۴۹	۱/۰۲۱۸	۰/۲۶۶۵	۱/۰۲۹۲	۰/۹۶۲۸
۳۲	۰/۱۲۹۹	۰/۴۴۱۰	۰/۲۷۶۶	۰/۵۴۳۶	۰/۳۴۳۳	۰/۳۰۷۰	۰/۴۶۹۸	۰/۸۱۱۳	۰/۹۴۸۹	۸/۵۸۷۸	۱/۴۲۹۹	۱/۶۰۳۶
۳۳	۰/۲۹۸۳	۰/۳۳۹۷	۰/۳۹۰۸	۰/۳۱۸۷	۰/۳۰۹۷	۰/۱۳۶۰	۰/۷۶۳۴	۱/۰۶۵۸	۱/۵۴۸۴	۱/۰۳۲۳	۱/۲۹۶۸	۱/۲۰۰۴
۳۴	۱/۰۵۲۷	۱/۴۹۴۱	۰/۹۳۳۸	۰/۹۱۱۸	۱/۰۸۶۵	۰/۸۹۲۹	۱/۱۲۷۲	۱/۶۳۸۶	۰/۵۱۰۷	۱/۶۹۰۵	۰/۹۵۱۹	۱/۳۲۲۷
۳۵	۰/۶۰۲۵	۰/۹۱۵۱	۰/۴۱۷۴	۰/۷۱۲۰	۰/۵۱۶۸	۱/۹۸۰۱	۱/۴۴۳۴	۱/۲۸۵۲	۰/۲۴۹۰	۰/۹۳۰۹	۱/۰۷۱۴	۰/۹۱۵۳
۳۶	۰/۵۳۶۰	۰/۴۳۷۵	۰/۴۱۶۵	۰/۳۹۹۰	۰/۳۳۲۶	۰/۰۳۹۸	۱/۲۸۷۰	۱/۰۹۶۵	۰/۳۸۵۹	۰/۹۸۳۴	۱/۳۳۴۴	۱/۲۵۱۵